

نُه نوشتار از فروید

زیگموند فروید

ترجمه‌ی میثم بازانی و مجتبی تاشکه

www.ketab.ir

سرشناسه: فروید، زیگموند، ۱۸۵۶-۱۹۳۹م. Freud, Sigmund
عنوان و نام پدیدآور: نه نوشتار از فروید / نویسنده زیگموند فروید؛ مترجم میثم بازانی، مجتبی تاشکه؛
زیرنظر و با مقدمه‌ی دکتر سهیلا کیانی.

مشخصات نشر: تهران: کتابستان برخط، ۱۴۰۱.

شابک: ۹۷۸-۶۳۲-۹۴۷۸۳-۰-۱

وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا

یادداشت: کتاب حاضر ترجمه‌ی مقالاتی است از کتاب:

«The standard edition of the complete psychological works of Sigmund Freud»

موضوع: نوروز Neurosis، روان‌پریشی Psychosis، روانکاوی Psychoanalysis

شناسه‌ افزوده: بازانی، میثم، ۱۳۷۲-، مترجم؛ تاشکه، مجتبی، ۱۳۷۱-، مترجم؛ کیانی، سهیلا، ۱۳۳۱-.

مقدمه‌نویس

رده‌بندی کنگره: RC۵۳۰

رده‌بندی دیویی: ۶۱۶/۸۵۲

شماره کتاب‌شناسی ملی: ۸۸۶۱۸۶۱

• تمامی حقوق چاپ و نشر این اثر محفوظ است.

• تکثیر، انتشار، بازنویسی و ترجمه‌ی این اثر یا قسمتی از آن به هر شیوه، بدون دریافت مجوز
قبلی و کتبی از ناشر ممنوع است.

• این اثر تحت حمایت «قانون حمایت از حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان ایران» قرار دارد.



خواندنی‌ها کم نیست، با بوخط بخوانید...

نه نوشتار از فروید

زیگموند فروید

مترجم: میثم بازانی، مجتبی تاشکه

مقدمه: دکتر سهیلا کیانی

ویراستار علمی: فروغ ادریسی

مدیر هنری: اونیش امین الهی

چاپ گیلان

چاپ دوم: خرداد ۱۴۰۲ (چاپ اول: آبان

۱۴۰۱)، ۲۵۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۳۲-۹۴۷۸۳-۳-۲

قیمت: ۱۲۵۰۰۰ تومان

انتشارات کتابستان برخط

barkhatbook.com

دفتر نشر: ۰۲۱۸۸۵۵۱۳۵۹

کد تخفیف خرید کتاب از «برخط بوک» با بیش از ۱۵۰ هزار عنوان کتاب: barkhatmembers



برخط
بوک

www.barkhatbook.com

فهرست

- پیش‌گفتار مترجمان / ۵
- پیش‌گفتار دکتر سهیلا کیانی / ۱۱
- سنخ‌های شروع روان‌نژندی (۱۹۱۲) / ۱۵
- پس‌رانش (۱۹۱۵) / ۲۹
- همتای اسطوره‌ای یک وسواس دیداری (۱۹۱۶) / ۵۳
- پیوند میان نماد و نشانه (۱۹۱۶) / ۵۷
- روان‌نژندی و روان‌پریشی (۱۹۲۴) / ۶۱
- از دست رفتن واقعیت در روان‌نژندی و روان‌پریشی (۱۹۲۴) / ۶۹
- فتیش‌کامی (۱۹۲۷) / ۷۹
- ساخت‌دهی در تحلیل (۱۹۳۷) / ۹۱
- انشقاق ایگودر جریان دفاع (۱۹۴۰ [۱۹۳۸]) / ۱۱۳
- واژه‌نامه‌ی توصیفی / ۱۲۱

پیش‌گفتار مترجمان

در این کتاب، که نوشتار از فروید به فارسی ترجمه شده است که نوشتارهایی کوتاه، اما از جنبه‌ی نظری و بالینی مهم‌اند، در ترجمه‌ی این نوشتارها بر آن بودیم متنی تا حد ممکن روان به دست دهیم. این نوشتارها با هدف فراهم کردن پیش‌های درباره‌ی موضوع روان‌پریشی و روان‌نژندی انتخاب شده‌اند.

«پس‌رانش» به مثابه‌ی سازوکار بنیادی روان، در روانکاوی فرویدی، لکانی نقشی مهم در تشخیص ساختارهای روانی دارد. مقاله‌ی «پس‌رانش» به چگونگی‌های این سازوکار می‌پردازد. فروید دو نوع پس‌رانش را مطرح می‌کند:

الف) پس‌رانش آغازین که پایه‌ای برای تمامی پس‌رانش‌های بعدی است و نقش نخستین خشت ساختمان را دارد. پس‌رانش آغازین نیرویی کشاننده در ژرفای ضمیر ناآگاه پدید می‌آورد که مانند سیاه‌چالی همه‌ی محتواها را به سمت خود می‌کشد؛

ب) پس‌رانش اصلی؛ نیرویی که از بالا فشار می‌آورد و با افزوده‌شدن به نیروی نخستین، پس‌رانش را تثبیت می‌کند. این جریان مستلزم

صرف مداوم نیرو است و از این طریق پس رانش را حفظ می‌کند. با وجود این، محتوای پس‌رانده شده از بین نمی‌رود؛ بلکه در ضمیر ناآگاه^۱ به طور پیوسته بازتولید می‌شود و تغییر شکل می‌دهد، تا با لباسی نو و ناآشنا در ضمیر آگاه جلوه کند. به همین خاطر باید در نظر داشت که محتوای آگاه همیشه بخشی از ناآگاه را با خود دارد. این تغییر شکل‌های ضمیر ناآگاه ممکن است خود را به شکل نشانه^۲ به ضمیر آگاه عرضه کند که می‌تواند نشانه‌های وسواسی، فلج، کوری یا آسم هیستریایی باشد. نشانه رنج‌آفرین است؛ اما با لذت در سامانه‌ای (ضمیر ناآگاه) و نالذتی در سامانه‌ی دیگر (ضمیر آگاه) همراه می‌شود. در واقع، نشانه همان چیزی است که فرد به آن تمایل داشته است؛ اما تمایلش اکنون خود را شیوه‌ای تغییر شکل یافته در ضمیر آگاه نشان دهد؛ شیوه‌ای که می‌تواند دردناک و رنج‌آور باشد؛ به عبارتی، نشانه حقیقتی پنهان است که با ما سخن می‌گوید. از این رو، در روانکاوی نشانه را از بین نمی‌برند؛ بلکه به تحلیل آن می‌پردازند تا حقیقت آشکار شود.

نشانگان معنای نمادین دارند؛ معنایی که در ضمیر ناآگاه جمعی بشر، اسطوره‌ها و فرهنگ‌ها حضور دارد. پژوهش «پیوند میان نماد و نشانه» از نگاه فروید به این مسئله سخن می‌گوید. همچنین، مقاله‌ی «همتای اسطوره‌ای یک وسواس دیداری»، نمونه‌ی دیگری را معرفی می‌کند. اگر پس‌رانش نخستین محکم انجام شود و سنگ بنای پس‌رانش استوار نهاده شود، با ساختار روان‌نزدی (هیستری تبدیلی، هیستری

1. Unconscious

2. Symptom

اضطرابی یا وسواس) روبه‌رو هستیم. نوشتار «سنخ‌های شروع روان‌نژندی» به چگونگی شروع بیماری و مسیرهای بالینی آغازگر روان‌نژندی می‌پردازد. نوشتارهای «روان‌نژندی و روان‌پریشی» و «از دست رفتن واقعیت در روان‌نژندی و روان‌پریشی» دو نوشتار مهم فروید درباره‌ی مسئله‌ی روان‌پریشی است؛ زیرا پس از بررسی روان‌پریشی در سال‌های ۱۹۱۱ تا ۱۹۱۴، این بار پس از تغییرات مطرح‌شده در نظریه‌ی خود دوباره به این مسئله می‌پردازد. او در این دو مقاله، سازوکار روان‌پریشی و تمایز آن را با روان‌نژندی بررسی می‌کند؛ افزون‌براین، در دو نوشتار «فتیش‌کامی»^۱ و «انشقاق ایگو در جریان دفاع» به کارکرد ایگو و اهمیت پس‌رانش می‌پردازد. فروید در مقاله‌ی فتیش‌کامی نکات مهمی را درباره‌ی پس‌رانش عاطفه بیان کرده است.

در نهایت، نوشتاری بالینی به نام «ساخت‌دهی در تحلیل» آورده شده است. فروید در این مقاله به بیان شباهت و تفاوت کار روانکاو و باستان‌شناس می‌پردازد و محتوای پس‌رانده را شبیه به آثار باستانی (البته با تفاوت‌هایی) می‌داند. او از فن مهمی به نام «ساخت‌دهی» سخن می‌گوید و بیان می‌کند که این فن همیشه در ذهن او بوده؛ اما مقاله‌ای در این موضوع ننوشته است. در این مقاله اشاره می‌شود که چگونه روان‌روانکاوی شونده تداعی‌های منسجمی ندارد و گویا بخش‌هایی از این تداعی‌ها حذف شده است. اکنون، روانکاو با استفاده از فن «ساخت‌دهی» بخش‌های حذف‌شده را به تدریج بازسازی می‌کند و تداعی‌ها انسجام بیشتری می‌یابد.

وقتی تصویری پس‌رانده می‌شود، در ضمیر ناآگاه شبیه به یک

غده‌ی سرطانی پیوسته ایجاد می‌شود و تغییر شکل می‌یابد؛ طوری که حوزه‌ی پس‌رانش وسیع‌تر می‌شود و هر تداعی مربوط به تصوّر پس‌رانده، دوباره پس‌رانده می‌شود. این جریان تا جایی ادامه پیدا می‌یابد که شکاف‌های روشنی در روان پدید آید و تنها در جریان تداعی آزاد پاره‌ای از این محتوا به بیرون افکنده می‌شود (برای مثال، به شکل لغزش کلامی). سپس، روان‌کاو باید از طریق «ساخت‌دهی» به ساختن و داربست‌زدن این تداعی بپردازد و به این ترتیب، به انسجام بیشتر روان کمک کند. در این فرآیند تداعی‌ها بیشتر و بیشتر به هم می‌پیوندند و کار برای تعبیر دادن و آگاه کردن محتوای ناآگاه هموارتر می‌شود.

در کل، ما در همه‌ی نوشتارها اهمیت «پس‌رانش» را مشاهده می‌کنیم. حضور یا غیبت پس‌رانش تعیین می‌کند که فرد به روان‌نژندی مبتلا شود یا روان‌پریشی. پس‌رانش پدیدآورنده‌ی نشانه و نیز آفریننده‌ی توانایی نمادپردازی برای انسان است. محتوای پس‌رانده نزدیک‌ترین و درعین حال، دورترین مسئله به ما است. درواقع، می‌توان آن را امر «غریبِ قریب»^۱ دانست که همیشه تکه‌هایی از خود را به حالتی غریب به ما نشان می‌دهد؛ اما نباید فراموش کرد که همچون «نامه‌ی ربوده‌شده»^۲ همیشه به ما قریب است. برای فهم ساده‌تر متن، واژه‌نامه‌ی توصیفی پاره‌ای از اصطلاحات مهم آماده شد

۱. این تعبیر از آقای صالح نجفی در ترجمه‌ی کتاب «چگونه فروید بخوانیم» اثر جاش کوهن است که آن را به عنوان برابرشناس واژه‌ی «the uncanny» در انگلیسی و «Das Unheimlich» در آلمانی به کار برده‌اند.

۲. نامه‌ی ربوده‌شده، داستانی کوتاه است که توسط «ادگار آلن پو» نوشته شده است و لکان نیز بر آن شرحی می‌نویسد {داستان از این قرار است که نامه‌ای گم می‌شود و همه دنبال آن هستند. با اینکه نامه در مقابل دیدگان است؛ اما کسی آن را نمی‌بیند}.

که از واژه‌نامه‌ی مشهور، «زبان روانکاوی» اثر لاپلانچ و پونتالیس^۱ گرفته شده است.

در پایان، از سرکار خانم دکتر سهیلا کیانی بسیار سپاس‌گزاریم که با شکیبایی و دقت نظر ترجمه‌های فارسی را با متن اصلی به زبان آلمانی مطابقت دادند و روشن‌گری کردند. از گروه فرویدخوانی بیمارستان روزبه به خاطر مطالعه‌ی گروهی و بیان نظرهای ارزشمندشان بسیار متشکریم. همچنین، از جناب آقای دکتر حسین مجتهدی برای پیشنهادهای دقیق و ظریف در انتخاب برابرشین‌ها و اصلاح جملات و عبارات سپاس‌گزاریم.

www.ketab.ir

1. Laplanche, Jean, and Jean-Bertrand Pontalis "The Language of Psychoanalysis, trans ".Donald Nicholson-Smith (New York, 1973) 314 (1973).